

تقد وپروسی کتاب

- چراغها را خاموش نکنید خانم پیرزاد/ نادر بکناش
- نگاهی به حضور آبی مینا/ شهرنوش پارسوی پور
- درون خانه دایی یوسف/ خانبابا محق

- حضور آبی مینا
- ناهید طباطبایی
- چاپ دوم: ۱۳۷۸
- انتشارات دید — ۳۷۰ تومان

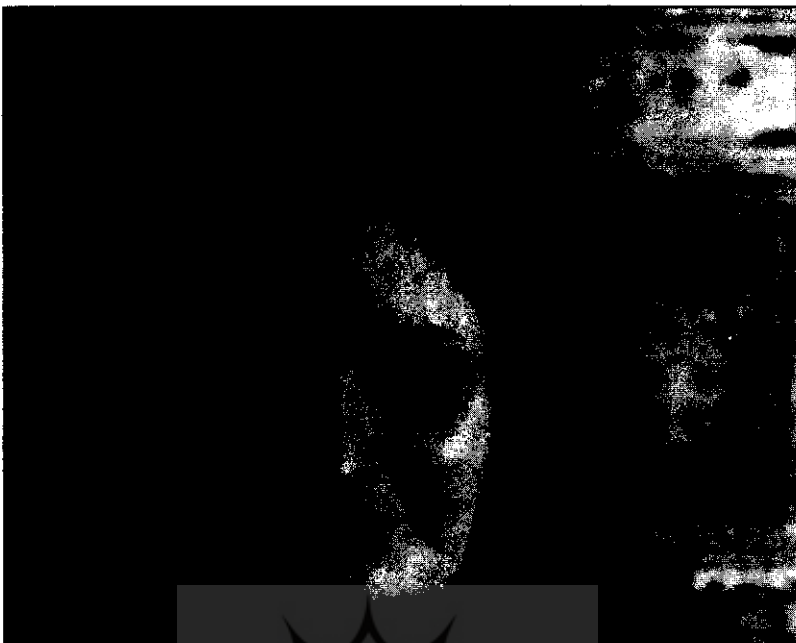
مجموعه بالا چهار داستان است که نویسنده در سال ۱۳۷۸ به چاپ رسانده. او متولد ۱۳۳۷ است و خود به خود به نسل بعد از انقلاب تعلق دارد. میتوان گفت نویسندگانی که در دهه ۱۳۳۰ به دنیا آمده‌اند به دلیل انقلاب و تنش‌های شدید آن و رویدادهایی نظیر برخوردهای خشن گروه‌های مختلف سیاسی با یکدیگر، جنگ، که فضای جامعه را سیاه و خاموش کرده بود و همچنین مهاجرت‌هایی که بسیاری را از اصل مادر میبرید، فرصت‌های زیادی را برای نوشتن و شکوفا شدن از دست داده‌اند. میدانیم که بخش اعظم نویسندگان مطرح کشور ما به خارج از ایران پناهنده شده‌اند و در حال حاضر در اروپا، آمریکا، کانادا و استرالیا پراکنده هستند. این نویسندگان قادر بودند با نوشتن و اداره تشریفات خوب ادبی راه را برای نویسندگان دهه‌های بعد باز کنند. اما مسئله بسیار جالب این است که جوانان ایرانی، یکی پس از دیگری دارند به میدان می‌آیند و جای رفته‌ها را پر می‌کنند. این در حالی است که در خارج از کشور نیز نویسندگان بیکار نشسته‌اند و مرتب آثاری عرضه میکنند، و روشن است که در آینده نزدیکی این دو حلقه جدا مانده از یکدیگر به هم وصل خواهند شد. نکته بسیار جالب و در خور تأمل حضور زنان نویسنده است که یکی پس از دیگری وارد عرصه نوشتن میشوند. توگویی آنها به عنوان زن این را درک کرده‌اند که آزادی به دست نمی‌آید مگر زمانی که انسان از هویت خویش آگاه بشود. و هویت به دست نمی‌آید مگر زمانی که انسان بتواند حضور حقیقی خودش را در جهان شناسایی کند. و این



شناخت میسر نمی‌شود مگر به مدد نوشتن آثار علمی، ادبی، فلسفی، روانشناسی و جامعه‌شناسی. بدین گونه است که زنان به میدان آمده‌اند و شمار آنها نیز آنقدر زیاد شده است که به خوبی میتوان دریافت که مجموعه هستی زنانه ایران دستخوش آنچنان تغییرات ژرف و نهادی است که در تاریخ ما به کلی بی‌سابقه است. در هیچ مقطعی از تاریخ ایران نمیتوان اینهمه تلاش زنانه را بازبایی کرد

ناهید طباطبایی یکی از این زنان نویسنده است که با مجموعه داستان «حضور آبی مینا»^۱ وارد میدان ادبیات میشود. نخستین داستان این مجموعه «مسابقه» نام دارد. زن کارمندی که علاقمند به داستان‌نویسی است یک رابطه انسانی و چند بعدی با مستخدم همان اداره به هم زده است. مستخدم که از ضعف چشمهایش رنج میبرد بیش از ظرفیتش کار میکند تا مبادا کارش را از دست بدهد. زن نسبت به او رقت قلب دارد و زمانی که شیشه عینک مستخدم میشکند آن را با کمک چسب به هم میچسباند. البته مستخدم عملاً دیگر کور است و زن همیشه از این وحشت دارد که مستخدم که شیشه‌های پنجره‌ها را مرتب پاک میکند ناگهان از پنجره به بیرون پرتاب شود. او داستانی در همین زمینه مینویسد، اما بعد داستان را پاره میکند. و بعد مستخدم دچار

۱- این مجموعه دومین اثر نویسنده است.



● ناهید طباطبایی

۳۲۶

همان سرنوشتی میشود که نویسنده کارمند آن را پیشگویی کرده. داستان ساده و کوتاه است. فاقد هر نوع بار سیاسی و داعیه کشف هیچ نکته مهم روانی را ندارد. اما به روانشناسی اجتماعی میپردازد. به رابطه‌های کوچکی که میان مردم ایجاد میشود.

در داستان زیبای «حضور آبی مینا» طاهره شهابی شرح میدهد که چگونه روزی نامش طاهره شهابی بوده است، یک نرس بسیار ورزیده. اما از صدقه سر ازدواجی شایسته و ورود به خانه مردی که همسرش - مینا را از دست داده، در میدان جاذبه این خانه قرار میگیرد و آرام آرام از شخصیت تهی میشود. او کم‌کم به مینا تبدیل میشود و این مسخ شدن پله پله تا بدانجا پیش میرود که زن با شادمانی هویت نوین خودش را میپذیرد. داستان یک بعد روانشناختی قابل تأمل دارد و بسیار خواندنی به نظر میرسد.

در داستان «گلی و من» راوی از خوابش شروع میکند. شوهر او دارد با گلی دوست دوران بچگی او ازدواج می‌کند. راوی سراسیمه و وحشت‌زده است. در جریان داستان ما کشف میکنیم که گلی از دوران کودکی تمام هستی راوی را به دنبال خودش کشیده و او را به هر کاری وادار کرده. راوی از گلی متنفر است، اما حتی وقتی شوهر میکند این گلی است که به جای او همسر آینده را انتخاب کرده. گلی اما دچار یک بیماری نادر میشود. راوی که در فضایی میان عشق و نفرت دست و پا میزنند در احساس گناه ترسناکی فرو میرود. موضوع این داستان بسیار جالب و قابل

تأمل است. البته گاهی داستان لغزش‌هایی دارد. چرخش‌های روانی راوی اغلب قابل پیش‌بینی است و نویسنده که دورخیز کرده است تا یک شخصیت داستایوسکی‌وار پیروانند نمیتواند آنطور که باید در این مهم موفق شود.

داستان «بزرگراه» موضوعی جذاب را پیش روی خواننده میگذارد. قهرمان داستان زنی است که در طبقه ششم یک ساختمان مشرف به بزرگراه زندگی میکند. زن به دلیل نیاز شدید روانی به مأنوس شدن با فضای زیستن به بزرگراه دلبسته است. او میکوشد روح بزرگراه را کشف کند و برای آن یک شناسنامه دارای هویت در ذهنش بسازد. روزی روی برف سر میخورد و دستش میشکند. حالا دائم در خانه است و در برابر پنجره و به بزرگراه نگاه میکند. او میکوشد بفهمد ماشین‌ها برای چه با اینهمه شتاب میروند و می‌آیند. مهارت او، در حدس زدن هدف آنها که میروند و آنها که می‌آیند تا آنجا رشد میکند که میتواند حتی حدس بزند که کدامیک از ماشین‌ها قرار است تصادف بکنند، و کدامیک بیهوده سرگردان هستند. این آخرین داستان در مجموع یکی از قابل تأمل‌ترین داستان‌های این مجموعه است. تمام کسانی که در بزرگراه‌ها سرگردان بوده‌اند به خوبی میدانند که چگونه آرزو داشته‌اند هدف از اینهمه رفت و آمد را درک کنند.

انتشارات خجسته منتشر کرده است:

تاریخ اجتماعی ایران / دکتر عزت‌الله نوذری

مرواریدهای فرزانه‌گی / راج چارترجی / مینو پرنیایی

مبانی نظری و کاربردی مدیریت / رضا آزاد

واقعیت درمانی / ویلیام گلاسر / دکتر هوشمند ویژه

پنج گلوله برای شاه / محمود تربتی سنجابی و عبدالله ارگانی

خنکای سپیده دم سفر / ناهید طباطبایی

انتشارات خجسته — خیابان انقلاب — مقابل دبیرخانه دانشگاه تهران —

بازارچه کتاب — تلفن ۶۴۶۰۲۸۳